

خلاصه درس سیزدهم جامعه شناسی یازدهم انسانی

« سرآغاز بیداری اسلامی »

با این خلاصه، نکات درس سیزدهم جامعه شناسی یازدهم انسانی را به خاطر بسپارید.

۱- نخستین بیدارگران اسلامی

نخستین رویارویی‌های غرب متجدد با جهان اسلام زمانی رخ داد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، علی‌رغم رعایت ظواهر اسلامی، گرفتار استبدادهای قومی و قبیله‌ای بودند.

عالمان دینی، اغلب براساس ضرورت و حفظ امنیت با رهبران استبدادهای قومی و قبیله‌ای تعامل می‌کردند.

«فقاہت» و «عدالت» دو عنصر برتر فرهنگ اسلامی، اغلب در حاشیه مناسبات قدرت‌های قومی، مهجور باقی مانده بودند.

قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و جاذبه‌های دنیوی کشورهای غربی، دولتمردان و رجال سیاسی جوامع اسلامی را مرعوب و شیفته فرهنگ غرب می‌ساخت و این مسئله، عزت و استقلال کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کرد.

نکته:

نشریه عروۃ‌الوثقی درباره خودباوری مسلمین و مبارزه با استعمار توسط سید جمال‌الدین اسدآبادی با همکاری محمد عبده در پاریس منتشر می‌شد و در تعداد زیادی از کشورهای آسیایی و آفریقایی توزیع می‌شد.

نخستین بیدارگران اسلامی کسانی بودند که به خطر جوامع غربی و شیوه‌ای که دولت‌های اسلامی در

برابر آنان داشتند، توجه کردند و جنبش‌هایی را در مقابله با غرب به وجود آوردند.

۱- حضور فعال عالمان دینی در مقابله با روسیه تزاری و تدوین

رساله‌های جهادیه

۲- حرکت اصلاحی امیرکبیر

۳- تحریم تنباکو، توسط میرزای شیرازی

اقدامات در سایر کشورهای اسلامی، اقدامات سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان او نمونه‌ای است از حرکت‌های بیداری در جهان اسلام.

۱- توجه داشتن به خطر کشورهای غربی برای جوامع اسلامی و خواستار

شدن استقلال سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی

۲- تلاش در جهت اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی

۳- اعتقاد به بیداری از طریق بازگشت به اسلام و عمل به آن

۴- اعتقاد به تشکیل قدرت واحد اسلامی

نمونه‌هایی از حرکت‌ها در
جهان اسلام توسط
نخستین بیدارگران
اسلامی

مهم‌ترین ویژگی‌های
نخستین بیدارگران
اسلامی

بیدارگران نخستین، به‌رغم رویکرد اعتراض‌آمیز به غرب، آشنایی عمیق با فرهنگ غرب و ابعاد دنیوی آن نداشتند.

بیدارگران نخستین، خطر غرب را در دو عامل سلطه‌گری و قدرت سیاسی و اقتصادی می‌دانستند.

www.my-dars.ir

عامل ضعف جوامع اسلامی: دوری مسلمانان از عمل به سنت‌های اسلامی
عامل قدرت جوامع غربی: قدرت جوامع غربی ناشی از این است که عملکرد آن‌ها اغلب مورد توجه
اسلام نیز هست.

۲- منورالفکران و روشنفکران غرب‌گرا

گروه دیگری در کنار نخستین بیدارگران اسلامی، در جوامع اسلامی ظهور کردند که مجذوب غرب بودند. این گروه که سازمان‌یافته لژهای فراماسونری بودند، خود را بیدارگر می‌دانستند اما برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را در گذر از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غربی معنا می‌کردند. آنان اومانیزم را به آدمیت و روشنگری مدرن را منورالفکری ترجمه کردند.

نخستین لژها در ایران: لژ آدمیت و لژ بیداری ایرانیان

الف) ویژگی‌های منورالفکران غرب‌گرا:

۱) نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند و حتی حضور سیاسی و اقتصادی آنان را فرصت می‌دانستند.

۲) مانند بیدارگران اسلامی، خواستار اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی بودند. (شباهت)

۳) برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را بازگشتن به اسلام نمی‌دانستند؛ بلکه راه نجات را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دیدند. (تفاوت)

۴) مفهوم امت و ملت اسلامی برای آن‌ها بی‌معنا و یا منفور بود و در مقابل به ناسیونالیسم که اندیشه سیاسی قوم‌گرایانه غرب متجدد بود، روی آوردند.

۵) مورد حمایت دولت‌های استعمارگر غربی بودند و این دولت‌ها با کمک آن‌ها توانستند از موفقیت حرکت‌ها و جنبش‌هایی که توسط بیدارگران اسلامی در حال شکل‌گیری بود، جلوگیری کنند.

۶) منورالفکران غرب زده که در قدم‌های نخست از ضرورت اصلاحات در دولت‌های کشورهای اسلامی سخن می‌گفتند، در نهایت با حمایت کشورهای غربی، حکومت‌های سکولار را در جوامع خود

تشکیل دادند.

اقدامات غرب‌گرایانه و ناسیونالیستی آتاتورک در ترکیه:

کشف حجاب - تغییر خط عربی به لاتین - تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه - لغو تقویم هجری - پخش

اذان به زبان ترکی

انتشار اسکناس با نماد پان ترکیسم

قدرت حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان به جای ریشه داشتن در باورها، اعتقادات و پیشینه

تاریخی کشورهای خود، وابسته به قدرت جهانی استعمار بود.

حاکمان سکولار کشورهای مسلمان با اتکا به قدرت جهانی استعمار، اقدام به از بین بردن مظاهر دینی و

اسلامی، حذف ساختارهای پیشین و ایجاد ساختارهای اجتماعی جدید می‌کردند.

سه نمونه از قدرت‌های سکولاری در کشورهای مسلمان: (۱) رضاخان در ایران (۲) آتاتورک در ترکیه (۳)

امان‌الله‌خان در افغانستان

ب) رهاورد حکومت منورالفکران غرب‌گرا در کشورهای اسلامی

رهاورد حکومت منورالفکران غرب‌زده در کشورهای اسلامی، استبداد استعماری است.

استبداد استعماری به دلیل وابستگی به کشورهای استعمارگر و عمل مطابق منافع این کشورها، استقلال

سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی را مخدوش می‌سازد و مقاومت‌های مردمی برای حفظ هویت

اسلامی خود را نیز سرکوب می‌کند.

www.my-dars.ir

درهم ریختن نظم پیشین به بهانه رسیدن به جایگاه کشورهای غربی انجام می‌شود؛ اما در عمل، همچنان

خصوصیات کشورهای پیرامونی و استعمارزده را دارند که این امر اعتراض برخی از نخبگان این کشورها را که به غرب چشم دوخته‌اند، در پی دارد.

ج) شکل‌گیری جریان‌های چپ

نسل دوم غرب‌زدگان (اندیشه‌های جریان‌های چپ) با اعتراض به حرکت‌های سیاسی نسل اول (منورالفکران) می‌نگرد.

اعتراض روشنفکران چپ به روشنفکران نسل اول به‌دلیل گریز آنان از بنیان‌های فکری اسلامی یا اسلام‌ستیزی آنان نیست، بلکه از نوع اعتراضاتی است که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری شکل گرفت.

روشنفکران چپ، حرکت‌های خود را در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی سازمان می‌دادند.

شیوه‌های عملکرد روشنفکران چپ:

۱) برخی حرکت‌های اجتماعی‌شان را آشکارا به صورت مکاتب غیر توحیدی مطرح می‌کردند.

۲) برخی از رویارویی مستقیم با باورهای دینی مردم خودداری می‌کردند.

۳) برخی اندیشه‌های خود را در پوشش دینی به صورت نوعی روشنفکری التقاطی چپ در کشورهای اسلامی پدید آوردند.

حرکت‌های اعتراض آمیز روشنفکران چپ کشورهای مسلمان، اغلب در سایه حمایت‌های بلوک شرق قرار گرفت.

روشنفکران چپ، تا هنگام فروپاشی بلوک شرق، در کشورهای اسلامی جاذبه داشتند.

جریان چپ حتی در کشورهایی که زیر نفوذ بلوک غرب قرار داشتند به عنوان یک جریان اجتماعی

تأثیرگذار حضور داشت.

با فروپاشی بلوک شرق و از بین رفتن جاذبه‌های روشنفکری چپ در سطح جهانی، این جریان در کشورهای اسلامی جاذبه‌اش را از دست داد و غرب‌گرایان، بار دیگر به اندیشه‌های لیبرالیستی غرب روی آوردند.



مای دررس
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir